

رسانس شمال در سنت پترزبورگ

نوشته ماریا ناشتو کینا و بوریس کیریوف

طبیعی، چوب و سنگ را ماهرانه ترکیب می‌کردند. محل مناسب برای رشد این سبک سنت پترزبورگ بود که شهری دو چهره بود. از یک طرف، شهری تجاری، بورژوازی، اروپایی و مشرف بر دریای بالتیک و خلاصه شهری بود باستانی که رم شمال شمرده می‌شد و در آن دوران در اوج شکوفایی بود. از طرف دیگر، همچون بابل در خطر نابودی بود، چون ممکن بود طعمهٔ باقلاچه‌هایی شود که بر آن بنا شده بود. در واقع این شهر ثمرهٔ مواجههٔ نیروی ارادهٔ انسانی با قوای طبیعی وحشی شمرده می‌شد.

در هر تورزدیک مدرن نوستالژی زیبایی جهان طبیعی نسبی یافت. این عشق به طبیعت که به قول دیابلیگف تا «پریش شمنی» پیش می‌رود در معماری بناهای شهر جلوه یافت. پسر نسماها پرندگان، جانوران، ماهیها، درختان و گلهای استیلزیه جسای دارند. تحت تأثیر معماری فنلاند، قدرت آکسیرسیون سطح ناهموار مانند گرانیث و قدرت القای ترکیب مصالح طبیعی و مصنوعی پدیدار شد. سنگهای عظیم دیوارها یادآور آسمانهای کهن لبت در پارهٔ «سنگهای شیطان» است. با این معماری زندگی روزمره لبریز از حال و هوایی رمانتیک شده است. در آن زمان سنت پترزبورگ منتهایرشتیان سوئدی و فنلاندی را در خود جای داده بود یکی از معماران برجستهٔ متولد پترزبورگ که ملیت سوئدی داشت به نام ف. لیدوال، پیمانگذار نهضت هنر در پایتخت روسیه شد. نخستین اثر بزرگ او (۱۸۰۴ - ۱۸۹۱) خانهٔ شمارهٔ ۳ خیابان کسامنوستروفسکی (کیریوف فعلی) است که قبل از شاهکارهایی که در سوئد خلق کرده احداث شده است. این خانه تمام مشخصات خاص این سبک را دارد: بازی آزادانهٔ چینه‌ها، تنوع در طرح پنجره‌ها، دقت در هماهنگی مصالح، ترکیبهای ملهم از دریای اسرارآمیز جنگل که کاربردشان از فونکسیونالیسم معقول بنا چیزی کم نمی‌کند.

زیباترین سنگی که بر تارک سنت پترزبورگ می‌درخشد خانهٔ شمارهٔ ۱۱ خیابان استره مایانیا (۱۹۰۷ - ۱۹۰۶) است. این خانه کار واسیلیف و پویری است. دکور که تصاویر سمبولیک استیل‌پردازی شده‌ای دارد طوری با فضای معمارانه تلفیق شده که تشکیل کل ارگانیک را داده است.

بدین ترتیب رسانس شمال در آغاز قرن بی‌آنکه به چینه‌های اروپایی سنت پترزبورگ طعمه‌ای وارد کند، هویت این شهر پندری کنار دریای بالتیک را تحکیم بخشیده است.

در معماری روسیه ظهور هنر نو با علاقهٔ عمیق به سنتهای قدیمی همراه بود. در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم افسون هنر اصیل شمال و گرایش نیرومندش به گذشتهٔ دور دوباره کشف شد و هنرمندان به فکر ترکیب فولکلور و تصاویر طبیعت وحشی شمال با تکنیکهای هنر مدرن افتادند.

هنرمندان نه تنها به معماری قرون وسطایی و مردمی شمال روسیه رو کردند، بلکه به فرهنگ کشورهای اسکاندیناوی و فنلاند علاقه‌مند شدند. علت این علاقه را نمی‌توان فقط در مجاورت این کشورها و بسا وابستگی اسپرنتین فنلاند به امپراتوری روسیه جستجو کرد وحدت معنوی این سرزمینها در این امر تأثیر بسزایی داشته است و سرآغاز جریان شده که سرگی دیابلیگف آن را «رسانس شمال» نام نهاده است. در این جریان میل به تجسس گذشته و هویت شمالی با خواست نیرومند کشف تمام شکلهای جدید آکسیرسیون همراه شده است.

اما در این میان دو جریان مهم را باید از هم تفکیک کنیم. اولی سبک نئوروسی است که از معماری نو و گورود و اسکوف دوم، که موضوع این مقاله است، هنر مدرن شمالی است که شاخه‌ای از هنر است و عمدتاً در سنت پترزبورگ (همان لنینگراد فعلی) که در آن دوران پایتخت روسیه بوده به اوج رسیده است. «رمانتیسملی» فنلاند و پس از آن سوئد در رشد آن تأثیر بسیار نهاده است.

حضور فعالهٔ معماران فنلاندی در پایتخت روسیه و شرکت مشترکشان در نمایشگاههای ملی و جهانی نشانه‌های مکاتب معماری پترزبورگ و فنلاند را که مجاورت جغرافیایی آن را تسهیل کرده بود، افزایش می‌داد. یکی از پندران «رومانتیسملی» این جنبش فنلاندی که ظهور معماری جدید را بشارت می‌داد، آکسلی و. گانن کالهلا بود. او ستغاش و هنرمندی بسا استعدادهای متعدد و به ویژه تصویرگر کالهمرالا بود. او در نمایشگاه ملی نینزی نووگورود (۱۸۹۶) و نمایشگاهی که در سنت پترزبورگ ترتیب یافت شرکت کرده و طرحهای معماری متعددی برای این شهر و مسکو و رول (نابین امروزی) تهیه کرد. معماران روسی و فنلاندی در آثار خود ابداعات تکنیکی را به نحوی هماهنگ با استیل‌پردازی مفرط از نشانه‌های هنر سنتی اسکاندیناوی، روسی، کاریایی، فنلاندی (سبولهای خورشیدی، تصویرهای گیاهان و جانوران) تلفیق و مصالح

بخشی از پنجرهٔ بلکان، اثر آ. گیلبل و ایلیانف، سنت پترزبورگ ۱۹۰۷ - ۱۹۰۶.

عازر با ناشتو کینا از اتحاد جماهیر شوروی پژوهشگر استیتو ملی شوروی معماری و شهر سازی است. بوریس کیریوف از اتحاد جماهیر شوروی پژوهشگر استیتو شوروی معماری و شهر سازی (لنینگراد).



از بالا به پایین از راست به چپ: نمایی از خانه
 ایسار نعمانی، امرویه، لیدوال، سنت پستریبورگ
 ۱۹۰۲ - ۱۸۹۹ (الف). در ورودی محله ایسرا،
 هلینسکی (ب). مدخل موزه گورکی، مسکو (۱۹۰۲)
 (پ). بخشی از سقف ورودی، ی مسوروسوف،
 سنت پستریبورگ، ۱۹۱۱ - ۱۹۱۲ (ب). در
 ورودی محله کاناپانو کا کاتوفن، هلینسکی (ت).
 ورودی محله ایسرا، هلینسکی (ج). مدخل
 ستوندار، محله کاناپانو کا، هلینسکی (ح). تزئین
 پیکره گوزدر سنگ، خانه محله ایسرا هلینسکی (ح).





از بالا، خلاف جهت عقربه‌های ساعت:
 نمای کاسه‌آلاتو موروا، اثر
 لهوئیس دوشیج ای مونتاتر،
 پارسلونا، ۱۹۰۶-۱۹۰۵،
 کاسه‌آلاتر، اثر خوبس پورتیگ
 ای کادافالچ، پارسلونا، ۱۹۰۰ -
 ۱۸۹۸، دو نما از بیمارستان سنت
 پائو، پارسلونا، اثر له نوئیس
 دوشیج ای مونتاتر، ۱۹۱۲ -
 ۱۹۰۲، کلیسای ویستابلا اثر
 خوبس ماریا جوخول، تاراگونا،
 ۱۹۱۸-۱۹۲۳

